

مردم آزار یخ زد

صدیقی

آغاز شد. اتوبوس‌ها که مسافران را پیاده می‌کردند من سریع جلومی رفتم تا مسافر مد نظرم را پیدا کنم اما هر بار خبری از او نمی شد. جدا از این‌ها خیلی از مسافرهای درستی را به خاطر مسافر خیالی ام رد کردم و همچنان امیدوارانه به انتظار نشستم. شب از نیمه گذشت تا این که دیدم دیگر هیچ کس در آن حوالی نیست و زمانی که برای چندمین بار با تلفن همراه مسافرم تماس گرفتم پاسخی نداد و بعد از گذشت لحظاتی دیدم پیامک حاوی چند شکلک برایم ارسال شد.

وقتی پیام را نگاه کردم تازه متوجه رو دست خوردنم شدم اما خیلی دیر شده بود. موقع برگشت کولاک هر لحظه بیشتر می شد و جاده تاریک و به شدت لغزنده شده بود و کسی هم نمی توانست به خاطر شرایط بد جوی به دادم برسد. بابت این کار خیلی وحشت کرده بودم و با خودم می گفتم اگر در آن محل خلوت گیر بیستم با آن کولاک حتما بلایی سرم خواهد آمد.

بالاخره بعد از پیمایش چند کیلومتر طی چند ساعت آن هم با هزار بدبختی و زنجیرچرخ خودم را به یک آبادی رساندم و شب را صبح کردم. روز بعد به خاطر ترس تمام صورتم تاول زده و با کمک یکی از دوستانم خودم را به روستای مان رساندم. بعد از پیگیری این اتفاق فرد مزاحم به من گفت که این کار را در تلافی سر کار گذاشتن وی از سوی من انجام داده است و چیزی که عوض دارد گله ندارد.

بعد از آن اتفاق و تجربه شب دلهره آور این ماجرا برایم درس بزرگی شد که دیگر کسی را سر کار نگذارم تا دچار چنین سرگذشت غم انگیزی نشوم.

شخصی که مدام با تقلید صدای افراد آشنا مردم را سر کار می گذاشت در آخرین مورد، خودش در تله افتاد. مرد جوان که مدام طی دوره‌می شبانه با دوستانش افراد فامیل را سر کار می گذاشت شبی با پاتک یکی از زخم خوردگان در تله ای ترسانک گرفتار شد و شب تلخی را تجربه کرد.

ماجرا از این قرار است که مرد جوان که تبحر خاصی در تقلید صدای افراد فامیل داشت هر بار با این روش با جا زدن خود در نقش افراد نام آشنا برخی افراد فامیل را سر کار می گذاشت تا با این کار کمی تفریح کند.

این ماجرا از سوی او مدتی ادامه می باید تا این که یک شب خود در دام تقلید صدای یک نفر دیگر می افتد و شب تلخی را سپری می کند.

مرد در دام افتاده می گوید: در تقلید صدای اعضای فامیل تبحر خاصی داشتم، برای همین مدام دوستانم در دوره‌می از من می خواستند با تقلید صدای شخص مدنظرشان، فردی را سر کار بگذارم تا ساعتی به او بخندیم. این ماجرا مدتی ادامه پیدا کرد تا این که یک روز یکی از بستگان با من تماس گرفت و از من خواست در زمان بازگشت شبانه از مسافرت در محل مد نظر وی که دور افتاده بود با خودرویم حاضر شوم تا او را به عنوان درستی به منزلش برگردانم.

اصلا به ماجرا شک نکردم و با خوشحالی پذیرفتم و چند ساعت زودتر در ایستگاه مد نظر منتظر بازگشت به اصطلاح مسافر راه دورم شدم. چند ساعت گذشت و هوا خیلی سرد و کولاک برف هم

کردیم دیدیم بعد ازظهر و جنازه مادرمان هم دفن شده است. به خاطر خماری و اعتیادمان حتی نتوانستیم زیر تابوت مادرمان را بگیریم. بعد از این اتفاقات، زن به ناچار نزد شوهر خود برمی گردد اما سرنوشت تلخ خودش برای دو دخترش تکرار می شود.

دخترانش به خاطر ستمی که از سوی شوهران شان در زندگی مشترک خود کشیده بودند با یک دنیا حسرت و ماتم دوباره بعد از جدایی از شوهران شان نزد مادر خمارشان برمی گردند. مادر وقتی می بیند که با اعتیادش آینده بچه هایش را نابود کرده است تصمیم می گیرد یک بار برای همیشه از شر مواد رهایی یابد.

او می گوید: وقتی دیدم دخترانم به سرنوشت سیاهم دچار شده اند تصمیم گرفتم به کمپ بیایم. بعد از گذشت سال‌ها از ترک اعتیاد هنوز ترکش و آثار مواد مرا رها نکرده است. وقتی به یاد روزهایی می افتم که جگر گوشه های مثل دسته گلم جلوی چشمانم پرپر می شدند اما به خاطر خماری کاری از دستم بر نمی آمد جگرم آتش می گیرد. مواد چنان آینده من و فرزندانم را آتش زد که فکر نمی کنم هیچ آتش سوزی می توانست چنین آسیبی به زندگی من و فرزندانم وارد کند.

چون همه خواهرها معتاد بودند کسی حاضر نبود جنازه مادرمان را تحویل بگیرد تا آن را دفن کنیم

بودند، پیش مادرم زندگی می کردند و هر کدام برای خودشان مواد می فروختند. زن جوان بعد از این اتفاق به ناچار برای امرارمعاش به خلاف روی می آورد و همگی سرشان را مثل کبک در برف می کنند تا به خیال خودشان کسی متوجه کارهای غیرقانونی شان نشود. خانه مادری میدان مسابقه شیره کشی خواهرهای هیرونی می شود.

بعد از مدتی مادر پیرشان برای رهایی از شر اعتیاد راهی کمپ می شود اما زیاد دوام نمی آورد و فوت می کند. مسئول کمپ وقتی می بیند خبری از اولاد ناخلف زن متوفی نمی شود او را به یک سردخانه تحویل می دهد و مدتی جنازه اش در آن جا بلاتکلیف می ماند. زن با چشمانی اشک بار می گوید: چون همه خواهرها معتاد بودیم کسی حاضر نبود جنازه مادرمان را تحویل بگیرد تا آن را دفن کنیم. از مرگ مادرمان دو هفته گذشت تا این که پسر یکی از خواهرهایم تصمیم گرفت جنازه مادرمان را از سردخانه تحویل بگیرد. روز حادثه زمانی که آمبولانس جنازه را داشت به خانه می آورد هر بار با راننده تماس می گرفتم و آدرس اشتباه می دادیم تا با دور زدن های الکی او در داخل خیابان‌ها ما فرصت پیدا کنیم با مصرف مواد از خماری در بیاییم و موقع تشییع جنازه ابروداری کنیم. آن قدر راننده آمبولانس را معطل کردیم تا این که شب شد. باز تشییع جنازه به خاطر تاخیر زیاد به روز بعد موکول شد.

صبح روز بعد بعد ۵ خواهر در زیرزمین خانه مادرمان تا از خواب بیدار شدیم و مواد مصرف

بعد از مدتی در ردیف شوهرش قرار می گیرد. بعد از آن با اعتیاد خودش نوزادان معتاد به دنیا می آورد و جگر گوشه هایش را به خاطر شدت خماری و تشنج در چند سالگی زیر خاک دفن می کند.

حاصل زندگی مشترک ۴۰ ساله اش ۱۰ فرزند بود که فقط ۴ نفر از آن‌ها زنده می ماندند و بقیه دار فانی را وداع می گویند. شوهرش هر بار با کوچک ترین اعتراض او را تا حد مرگ کتک می زند تا کسی کاری به او نداشته باشد. می گوید: وقتی به خاطر بی پولی هروئین به من نمی رسید اصلا در حال خودم نبودم و مثل یک چوب خشک گوشه ای می افتادم و انگار نه انگار که بچه شیرخوار دارم. بچه هایم بعد از چند سال بر اثر شدت خماری و گرسنگی تشنج می کردند و بعد از آن هم چون رمقی در من و شوهرم نبود تا آن‌ها را به یک درمانگاه ببریم فوت می کردند. وقتی شوهرم به خاطر قاچاق مواد به زندان افتاد همه چیزمان را از دست دادیم.

زمانی که شوهرم از زندان آزاد شد چون آهی در بساط نداشتیم برای شروع کار خلاف و قاچاق مواد یک روز به دور از چشم من دو دختر ۱۳ و ۱۴ ساله ام را در قبال مواد و مقداری پول شوهر داد.

شوهران شان هم سن پدرم بودند و فقط پول داشتند و چیزی از مهر و عاطفه سرشان نمی شد. وقتی از این اتفاق باخبر شدم به شوهرم اعتراض کردم که او هم حسابی مرا کتک زد و از خانه بیرون کرد و به ناچار نزد مادرم برگشتم.

۴ خواهر دیگرم که همه آن‌ها معتاد و مطلقه

«دو هفته جنازه مادرمان در سردخانه ماند اما برای هیچ کدام از ما ۵ خواهر مهم نبود. در واقع مواد نابی برای ما باقی نگذاشته بود و همه وجدان مان را به دود فروخته بودیم. حتی روزی که خواهرزاده ام حاضر شد جنازه را تحویل بگیرد به راننده آمبولانس آدرس غلط دادیم تا کسی دیرتر بیاید و ما بتوانیم تن خماریمان را کوک کنیم و زیر تابوت مادرمان تلوتلو نخوریم».

این را یک زن معتاد در کمپ می گوید و ماجرای زندگی اش را این گونه تعریف می کند: در سنین پایین راهی خانه شوهرم شدم، در واقع به خاطر چند بسته اسکناس و مقداری مواد از سوی پدرم به عقد یک مرد بزرگ تر از او درآمدم.

هنوز به گفته خودش دست چپ و راستش را به خوبی نمی شناخت که خود را در نقش یک همسر دید. می گوید: در ۱۰ سالگی به زور پدرم مرا راهی خانه شوهرم کرد و در ۱۲ سالگی صاحب فرزند شدم.

شوهرم در ابتدای زندگی مان آدم سر به راهی بود اما با تقلید از برادرهای معتاد و قاچاق فروش زندگی ما را به سیاهی مواد درآورد. در یک روستای دورافتاده زندگی می کردم و بود و نبود من هم برای خانواده ام فرقی نداشت.

مادرم بدتر از پدرم و او هم بدتر از خواهرهای همگی غرق در منجلاب اعتیاد بودند. زن جوان بعد از دنیا آوردن سومین فرزندش به خاطر درد و امراض از سوی شوهر قاچاقچی اش به جای دکتر سراغ مواد می رود تا این که

آگهی تغییرات شرکت صندوق حمایت از توسعه بخش کشاورزی شهرستان بجنورد شرکت سهامی خاص

به شماره ثبت ۴۸۴۳ و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۶۴۲۰۸۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۲۳ تصصیمات ذیل اتخاذ شد : - با توجه به مصوبه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۴/۰۳/۱۰ مدت زمان افزایش سرمایه از ۳۶ ماه به ۸۴ ماه تمدید گردید.

م الف ۷۴۳۰۳۳
۹/۹۸۱۳۲۸۶

آگهی تغییرات شرکت سیم وکابل بجنورد شرکت سهامی خاص

به شماره ثبت ۴۵۳ و شناسه ملی ۱۰۸۶۰۳۰۲۴۵۹

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۳۰ تصصیمات ذیل اتخاذ شد : - سمت اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند: آقای بابک عزمی به شماره ملی ۰۶۸۱۸۲۳۸۴۴ به سمت رئیس هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۰/۰۴/۳۰ خانم بهارک عزمی به شماره ملی ۱۲۸۸۰۴۷۶۳۰ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۰/۰۴/۳۰ آقای علی اکبر عزمی به شماره ملی ۰۶۸۱۶۲۷۵۹۱ به سمت مدیر عامل و عضو هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۰/۰۴/۳۰ آقای سیامک عزمی به شماره ملی ۰۶۸۱۹۶۱۲۷۹ به سمت عضو هیئت مدیره (عضو علی البدل) تا تاریخ ۱۴۰۰/۰۴/۳۰ کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهد آور شرکت به امضاء مشترک مدیر عامل شرکت، آقای علی اکبر عزمی و رئیس هیئت مدیره آقای بابک عزمی و در غیاب رئیس هیئت مدیره شرکت ، نائب رئیس هیئت مدیره خانم بهارک عزمی ، همراه با مهر شرکت دارای اعتبار می باشد. تنظیم اوراق عادی با امضاء مدیر عامل و مهر شرکت و در غیاب آن با امضاء نایب رئیس و مهر شرکت معتبر است.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری بجنورد م الف ۷۴۳۰۲۹
۹/۹۸۱۳۲۸۶

تاسیس شرکت تعاونی خوراک دام کیمیا فرصت اسفراین درتاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۵

به شماره ثبت ۱۳۸۵ به شناسه ملی ۱۴۰۰۸۸۹۴۹۸۴

ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد. موضوع : تولید و تهیه خوراک دام،تأمین نیاز دامداران طبق مجوزشماره مجوز ۴۶۲۳ تاریخ مجوز ۱۳۹۸/۰۹/۰۹ مرجع صادرکننده (اداره تعاون و کار و رفاه اجتماعی اسفراین) مدت : از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی : استان خراسان شمالی ، شهرستان اسفراین ، بخش مرکزی ، دهستان آذری ، روستا ولی آباد، محله ولی آباد ، کوچه (چاه عمیق) ، بن بست ((رجب صالح آبادی))، پلاک ۰۰ ، طبقه همکف کدپستی ۹۶۶۱۱۷۲۸۱۱ سرمایه شخصیت حقوقی : ۷۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال می باشد. منقسم به ۱۴ سهم ۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ریالی با نام تقسیم گردیده است که تقدأ پرداخت گردیده است اولین مدیران : آقای حمید صالح آبادی به شماره ملی ۰۶۳۰۱۲۷۰۶۹ و به سمت مدیرعامل و به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت ۳ سال خانم ملیحه کلاته ملانی به شماره ملی ۰۶۳۹۸۰۵۴۵۰ و به سمت عضو هیئت مدیره - عضو علی البدل به مدت ۳ سال آقای علی دستی به شماره ملی ۰۶۳۹۸۸۲۷۷۳ و به سمت عضو هیئت مدیره(منشی) به مدت ۳ سال خانم رقیه حسن آبادی به شماره ملی ۰۷۹۱۲۲۴۰۴۱ و به سمت عضو هیئت مدیره - عضو علی البدل به مدت ۳ سال آقای رمضانعلی حسن آبادی به شماره ملی ۰۷۹۱۲۲۶۱۷۲ و به سمت نایب رئیس هیئت مدیره به مدت ۳ سال دارندگان حق امضا : کلیه قراردادهای و اسناد رسمی و تعهد آور بانکی از قبیل چک ، سفته ، برات و اوراق بهادار با امضای یک یا دو نفر از اعضای هیأت مدیره رمضانعلی حسن آبادی نائب رئیس هیئت مدیره به اتفاق آقای حمید صالح آبادی مدیرعامل و مهر شرکت/ اتحادیه دارای اعتبار است و اوراق عادی و نامه‌ها با امضای آقای حمید صالح آبادی مدیرعامل و مهر شرکت معتبر خواهد بود . اختیارات مدیر عامل : طبق اساسنامه بازرسین شرکت به قرار ذیل به مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند فاطمه صالح آبادی کد ملی ۰۶۳۰۲۶۹۳۸۶ باژرس اصلی رجبعلی صالح آبادی کد ملی ۰۶۳۸۶۸۱۲۱۹ باژرس علی البدل روزنامه خراسان شمالی جهت درج آگهی های شرکت انتخاب گردید (ثبت موضوع به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد) به موجب نامه شماره ۱۳۹۸/۱۰/۷-۱۵۱۶۴اداره تعاون و کار و رفاه اجتماعی اسفراین

م الف/۲۳۳۰۲۱ اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری اسفراین
۹/۹۸۱۳۲۸۶

۴ ماه حبس برای راننده متخلف خودروی حمل فراورده های خام دامی

یک راننده متخلف خودروی حمل فراورده های خام دامی در اسفراین که به حمل غیرمجاز گوشت مرغ تازه و... اقدام کرده بود، به تحمل ۴ ماه حبس تعزیری محکوم شد. بنا بر اعلام روابط عمومی شبکه دام پزشکی اسفراین، در پی معرفی راننده خودروی متخلف به علت حمل غیرمجاز گوشت مرغ تازه و... بدون دریافت مجوز حمل قرنطینه ای، به مقامات قضایی، شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری ۲ این شهرستان وی را به تحمل ۴ ماه حبس تعزیری محکوم کرد.

دستگیری شکارچی متخلف پرندگان

صدیقی- یک شکارچی متخلف در تور قانون افتاد. به گفته رئیس اداره حفاظت محیط زیست مانه و سملقان، در پی گزارش های مردمی مبنی بر شکار غیرمجاز توسط یک شکارچی در منطقه فرخود، ماموران یگان حفاظت محیط زیست با همکاری نیروی انتظامی بعد از بازرسی از منزل متخلف، ۴ قطعه کبک و یک عدد پوست میش وحشی کشف کردند. «فرجی» با بیان این که متهم برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی معرفی شد، افزود: از متخلف علاوه بر موارد ذکر شده یک قبضه سلاح شکاری به همراه ادوات شکار و زنده گیری پرندگان کشف و ضبط شد.

درب های اتوماتیک

باز

فروش انواع ریموت کرکره و جک

بهترین خدمات پس از فروش

تأمین تضمینی قطعات ، بهترین کیفیت

کرکره اتومات

جک پارکینگی

شیشه اتومات

درب آکاردئون

قفل برقی

آرام بند و اعلام حریق

دفتر فروش:بجنورد/نبش چهارراه آزادی

تلفن تماس: ۰۹۱۵ ۱۸۶ ۰۲ ۶۳ - ۰۵۸۳ ۲۲۱ ۰۴ ۸۸

۹/۹۸۱۳۲۹۲

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۲۰۷۹-۹۸ مورخ ۰۴/۱۰/۹۸ هیات به شماره کلاسه ۴۹-۹۸ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عقیل سعیدی عباس آبادی فرزند غلامحسین به شماره شناسنامه ۵۶۷ در یک باب منزل به مساحت ۷۷ مترمربع از پلاک ۱۵۵ اصلی اراضی کهنه کند بخش دو بجنورد خریداری مع الواسطه از مالک رسمی ججو باغچقی فرزند امیر محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۸/۱۰/۲۱ تا تاریخ انتشار نوبت دوم:۹۸/۱۱/۰۶

احمد اصغری شیروان- رئیس ثبت اسناد و املاک ناحیه ۲ بجنورد

۱۱۴۰/م الف

۹/۹۸۱۳۲۸۶